

پنجشنبه ۲۶ تیر ۱۳۹۳ • سال یازدهم • شماره ۲۰۶۷ • ۷

شرق روزنامه

گزارش • علم

بررسی موردی دستاوردهای حضور در یک سمینار علمی	صفحه ۸
باز خوانی خاطرات فیزیکدانان آمریکایی از سفر به ایران	صفحه ۹
رابطه «وازگتومی» با سرطان «پروستات»	صفحه ۱۰

گزارش دیگر	گزارش دیگر
سفرنامه اصفهان و نجفآباد: <div>قلب میراث ایران همچنان نیازمند توجه عمومی و ملی</div>	سفرنامه اصفهان و نجفآباد: <div>قلب میراث ایران همچنان نیازمند توجه عمومی و ملی</div>
رستورانی چینی پای آتشگاه	رستورانی چینی پای آتشگاه
علیرضا اشتری تفرش *	علیرضا اشتری تفرش *

در اوایل خرداد ۱۳۹۳ شمسی، بار دیگر فرصتی دست داد تا سفری به اصفهان داشته باشیم. از زیباترین و دلنشین‌ترین مناطق اصفهان، بی‌گمان، نواحی غربی آن است که در امتداد جاده میان اصفهان تا نجف‌آباد پیوستگی دلنشینی از باغ‌ها، مزارع و خانه‌ها دارد. در طول این جاده غربی، هر بار که می‌روم، با دیدن کوه آتشگاه و یادمأن زیبای عصر ساسانی‌اش که بر تاج کوه جلوه می‌کند، یاد وصف جالب سفرنامه اصفهان صادق هدایت از آن می‌افتد؛ با کوشش خیال‌انگیزی که برای یادآوری فرهنگ ایرانی این ناحیه خرج می‌کند. اما این بار درست در پای آتشگاه، بنایی دیدم که دهان تعجبم را گشوده؛ رستورانی با بارزترین نماد بناهای چوبی و سنتی چین و شیرهای برگرفته از فرهنگ چینی، آتشدان‌ها و سایر نمادهای چینی، گویی که در پکن هستند! ناخودآگاه یاد این ابیات فردوسی افتادم: «بر آن بود کاموس و خاقان چین/که آتش بر آزند از ایران زمین/به گنج و به انبوه بودند شاد/ز منی ز بزأن نکرند یاد.»
گفتم اگر کاموس و خاقان چین نتوانستند تا آتشگاه اصفهان در قلب ایران بیایند، اینک خود، چه راحت و بی‌توجه، چنین جوازِی صادر کرده‌ایم. البته مسیر میان اصفهان تا نجف‌آباد را چنان که به دقت روی، از یافتن نماد معماری غیرایرانی در قلب فرهنگی و تمدنی ایران، اصفهان، تعجب نمی‌کنی و این نه‌ان از سر زیاده‌خواهی نمادهای بیگانه که از سر بی‌توجهی به نمادهای خودی است و مادمالی که به نماد معماری ایرانی، اسلامی خویش بی‌توجه باشیم، چنین امری قابل‌وقوع خواهد بود. اصفهان و نواحی اطرافش چندان در فرهنگ و تمدن ایران اهمیت دارند که به باور بسیاری ایران‌شناسان، جوهره میراث ایرانی را نمی‌توان سواى اصفهان دانست و میراث این ناحیه، از بنا و مسجد و کوشک گرفته تا بازار و خیابان و باغ و خانه، بی‌گمان از مهم‌ترین سطور شناسنامه ملی ایرانیان است. از همین‌رو بوده است که



حتی این شناسان غیرایرانی شیفته ایران، گاه دیولهاوزر، عشق اصفهان می‌شدند و آن را از موطن خویش وطن‌تر می‌یافتند. با این حال، به نظر می‌رسد نمادهای اصیل ایرانی، اسلامی هر روز در آن اندک‌تر می‌شوند و البته این باید در پی یک خفتگی و بیگانگی فرهنگی با خویش باشد. در مسیر جاده‌اصفهان تا نجف‌آباد، تقریباً انگشت‌شمار شده‌اند بناهای آجری و هوایت و برجمانده از دیروز؛ حال آنکه تا همین چند سال پیش، رونق این مسیر به دیدن همین بافته‌ها بود. حتی باغ‌های ایرانی و کوچک‌باغ‌ها و دیوارهای کاه‌گلی که شناسنامه ایرانی بوده‌اند، اندک شده‌اند؛ اما ظاهرآ با عزمی جدی به تخریب این‌ها و بازآوردن معماری بی‌هویتی به جای آن همت گمارده‌ایم و امر این به فرهنگی عمومی تبدیل شده است. آیا تلاش عاجل برای نگهداری بر جای مانده‌های اندک همین مسیر جاده‌ای از سوی عموم، اهالی و مسئولان ضرورت ندارد؟ از اینکه بگذریم، اوضاع داخل شهرها نیز از این قاعده مستثنا نیست. مثلاً در نجف‌آباد که توفیق زیارت و سیاحتش را دانشیم نیز با وجود خدماتی چون کوشش برای حفظ آراگ قدیمی شهر که باید مشرفتر، کلیه بافت‌های سنتی به شدت در تهدید و تخریب‌اند، فراموش نکنیم بافت سستی نجف‌آباد یکی از ارزشمندترین یادگارهای ایران دوره صفوی است که به طرح منظم شیخ‌بهبایی و به فرمان شاه‌عباس اول برآمد و چنان دارای طرح و نقشه و خیابانبندی بود که آن را می‌توان نمونه‌ای منحصره‌فرد در تاریخ سلاطین ایران دانست؛ اما همین گنج ارزشمند نیز امروزه در تهدید است. مزارع خیابان‌ها و میادین و ساخت‌هایی که ناگاهان بر جای چندین محله برچیده‌شده کهن بر می‌آیند، خانه‌های خوش‌ساخت صفوی با دیوارها، سقف‌های گنبدی و ایوان‌ها و ساخت‌های جالب که پایه‌های برج‌مانده و ته‌نقش‌هاش حکایت از تخریب اخیر دارد و حسرت از دست‌رفتنش را بر دل باقی می‌گذارد؛ در حالی که در شهری چون نجف‌آباد، قرار گرفته بر دشتی وسیع، شاید بتوان به‌راحتی به جای ترویج فرهنگ کلنگی نگاه‌کردن به میراث دیروز، با سیاست‌هایی به ترمیم و به‌روز کردن اینه گذشته، متناسب با نیازهای امروز و نیز توسعه شهر بدون نیاز به تخریب و دیوار‌سازی پرداخت. ناگفته نیست که فروغ و رونق جهانگردی و ورود جهانگردان خارجی نیز می‌تواند در این مقوله یاری بسیار رساند؛ زیرا اگر بگیریم که خدای ناکرده، خود از دیدن بناهای تاریخی و گذشته خویش خسته شده‌ایم، اما جهانگرد خارجی، به ویژه در جهانگردی فرهنگی، دقیقاً برای دیدن همین‌هاست که به ایران می‌آید و از اسیران در قدم اول، دیدن فرهنگ و تمدن آن را انتظار دارد و پروضح است که درآمد حاصل از گشت‌وگذار او نیز می‌تواند به ایجاد مشاغل محلی و تولید ثروت ختم شود و حاصل آن انگیزه بیشتر برای حفظ میراث گذشته خواهد شد. البته خوشبختانه نسبت به چند سال گذشته، اسمال، جهانگردان بیشتری در مرکز اصفهان به پای می‌خوردند که می‌تواند آینده خوشبینانه‌ای را در این باب نوید دهد. بشمار، فراموش نکنیم بناها، کوجها، باغ‌ها و خیابان‌هایمان که می‌روند، شاید فرهنگمان نیز بروز و ما از دیروزمان ند دیدن‌هایم که امروز بخواهیم از آن روی گردان باشیم.

«الف» معسول موسسه می گوید: «هدف و کار ما بهینه‌سازی و استفاده مناسب از فرصت‌هاست.» او بهی‌وقع به صحبت خود ادامه می‌دهد. «من دانشجوی دکتری رشته صنایع در دانشگاه... هستم. پنج، شش کتاب دارم و هشت مقاله ISI ، ISC ، و چند مقاله ا‌رپاشده در سمینارهای بین‌المللی و البته مدرس چند دانشگاه.» از رشته علوم انسانی و اهمیت آن می‌گوید و اینکه چندین سال است که به طور تخصصی در حوزه مقاله‌نویسی کار می‌کند. می‌گوید: «کار ما پایان‌نامه‌نویسی نیست، بهتر است موضوع مقاله و پایان‌نامه در دوره کارشناسی‌ارشد کلی باشد. باید با تزیینی یک پژوهشگر واقعی آن را انتخاب کرد تا در دوره دکترا به طور جزئی و دقیق مورد بررسی قرار گیرد. استادان در انتخاب دانشجو برای دوره دکترا به آینده و رتبه علمی خود فکر می‌کنند؛ دانشجو هم باید زرنگ باشد و نشان دهد که می‌تواند مقاله‌نویس و آیندمنگر خوبی باشد.»



عکس: سناز رحیمی

چه کسانی در شرکت‌های حرفه‌ای پایان‌نامه دانشجویان را می‌نویسند؟

پایان‌نامه ۲میلیون‌تومانی ۱۸/۵ گرفت

لیلا ابراهیمیان

برای انجام کار قرارداد می‌بندند؟ «الف ق» می‌گوید: «ما تنها موسسه‌های حرفه‌ای هستیم و در مدت دو ماه با پذیرش (accept) مقاله در بهترین ژورنال‌ها، به همراه ویرایش علمی و نسخه‌ف فارسی‌انگلیسی آن را به مشتری تحویل می‌دهیم. ما برای مقاله‌ها در ژورنال‌هایی با «امپکت ۱۲» پذیرش می‌گیریم؛ مجله‌هایی که در بانک اطلاعاتی «Tomsun Routers» ثبت و تایید (certificate) شده‌اند. در موقع عقد قرارداد، ۵۰درصد مبلغ توافقی (۷۵۰هزار تومان) را در اول می‌گیریم»

او می‌گوید مراجعه‌کنندگانوش از دانشگاه‌های سراسر ایران هستند. برای جلب اعتماد، فهرست افرادی را که در دو ماه گذشته با آنها قرارداد امضا کرده‌اند، نشان می‌دهد و اسم و دانشگاه و رشته تحصیلی خیلی از آنها را می‌خواند... دانشگاه تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبائی، پلی‌تکنیک، دانشگاه اراک، علوم پزشکی کرمانشا، تبریز، اردبیل، دانشگاه آزاد، پیام‌نور، دانشگاه ترکیه. کارشناسی‌ارشد، دکترا، استادیار دانشگاه، معاون سازمان... که با سه مقاله الان مدیر کل شده رشته‌های دندانپزشکی،

اکثر رشته‌های علوم انسانی، فنی- مهندسی و چند رشته علمی دیگر»
او می‌گوید: «همکاران ما از میان دانشجویان و فارغ‌التحصیلان کارشناسی‌ارشد، دانشجویان دکترا، استادیار، دانشیار و یک استاد تمام هستند که الان در ایران نیستند.» اضافه می‌کند: «من برای تهیه‌فهرست استادان و پژوهشگران اینجا خیلی تلاش کرده‌ام و موقع عقد قرارداد با آنها در اول پنج‌میلیون سفته می‌گیرم اما اسمی همکاران ما کملا سری است.» به تدریج توانایی‌های خود را به رخ می‌کشد: «اسم هر استادی را که بخواهید در مقاله شما می‌آوریم و می‌توانید این موضوع را با استاد در میان بگذارید.» اگر استاد اعتراضی کند چه اتفاقی می‌افتد؟ ق. می‌گوید: «این اتفاق غیرممکن است اما برای اطمینان، موضوع کلی را با استاد خود در میان بگذارید تا دست شما برای ادامه کار باز باشد. یکبار هم در وسط کار، می‌توانید مقاله را به ایشان نشان دهید اما حتما این خواسته باید در قرارداد ذکر شود.» اعتقاد دارد که بهترین رشته برای بازار کار آنها «رشته روانشناسی، مدیریت، کامپیوتر، علوم سیاسی، امور مالی و دندانپزشکی است.»

بازار داغ پایان‌نامه‌نویسی

حمید فارغ‌التحصیل دوره کارشناسی‌ارشد دانشگاه «علامه طباطبائی» و به قول دوستش، «پایان‌نامه‌نویس حرفه‌ای» است، او می‌گوید: «عرضه و تقاضا در کتار هم هستند. بیکاری و بی‌پولی بهانه خوبی برای پاسخ مثبت به مراجعه‌کننده‌هاست.» مریم فارغ‌التحصیل یکی از دانشگاه‌های سراسری، گفته‌های حمید را تکمیل می‌کند: «لبلیل این بازار داغ، بیکاری فراغ‌التحصیلان و کم‌آرزش شدن کار پژوهشی است. دکترا و نیاز نیستم. کسی که کارش را به دیگری می‌سپارد باید پاسخگو باشد. خله از پای است ویران است» و لیلا فارغ‌التحصیل رشته تاریخ چند سال قبل پایان‌نامه دانشجویی کارشناسی‌ارشد تاریخ دانشگاه شهید بهشتی را، ۲۰۰هزار تومان انجام داد. زمانی که به پول نیاز داشت و بیکار بود.

نجیهه دانشجوی دانشگاه تهران است. می‌گوید: «پایان‌نامه و مقاله دوست من با دو میلیون تومان در یکی از موسسات خیابان انقلاب انجام شد و با نمره ۱۸ یا ۱۸٫۵ از آن دفاع کرد و فارغ‌التحصیل شد اما دوست ندارد در این رابطه با کسی صحبت کند.» اما عده‌ای از دانشجویان چون سعید و فاطمه که اخیرا از پایان‌نامه خود دفاع کرده‌اند، باور دارند که این مساله «پدیده» نشده و خود با تردید می‌پرستند مگر ممکن هست که کسی کارش را به بیرون بپردازد؟ خیلی از دانشجویان کارهای آماری پایان‌نامه را خودشان انجام نمی‌دهند اما این خیلی عجیب است که کل کار را به کس دیگری بسپارند؟
علیرضا دانشجوی دوره دکترا است که پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را با نمره (۱۹٫۲۵) تمام کرده. او درباره‌ارشدی که بسیار باید پاسخگو باشد، می‌گوید: «گاهی از زیبایی با حاشیه‌هایی همراه است و در عمل، کسی که پایان‌نامه خوبی ارائه می‌دهد با کسی که پایان‌نامه‌اش ضعیف است، خیلی تفاوتی نمی‌کند.»

دکتر حسین افخمی، استادیار دانشگاه علامه طباطبائی، ریشه پایان‌نامه و مقاله‌نویسی در بازار آزاد را در مشق شب‌نویسی توسط والدین و انشائویسی توسط هم‌کلاسی‌ها جستجو می‌کند. او می‌گوید: «ترفته‌های جامعه علمی امروز ریشه در مقاطع ارشد یا دکترا رد شده؛ چه برسد به کشف تقلب یا گشودن رمز «بازار نویس بودن» یک رساله؛ اما در دوره دانشجویی در یک دانشگاه اروپایی، شاهد بودم که از شش دانشجوی دکترا یک نفر مردود و یک نفر تجدید شد. باید شرط چاپ مقاله برای ورود به دوره دکترا را حذف کرد و به همان شیوه، مصاحبه‌های علمی و امتحان کتبی برای ادکترا بازگشت و شرط اتمام دوره کارشناسی‌ارشد در دو سال دراسته شود. وقت کم برای نوشتن پایان‌نامه، پیش شرط مقاله برای گرفتن نمره کامل پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد و پذیرش در دکترا، مقاله‌نویسی برای آن رونق می‌بخشد.»

پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (IRANDOC) با برگزاری دو

میزگرد تخصصی درباره «آثار و پیامدهای سرقت علمی و راه‌های جلوگیری» مسبب

قیمت (تومان)					
مقطع تحصیلی	مقاله ISI	مقاله ISC	ISC	پایان‌نامه از موضوعات پر وپوزال	پایان‌نامه با موضوع پیشنهادی هر ارجم‌کننده
کاردانی	–	–	–	۲۰۰ هزار تا ۷۰۰ هزار تومان	۲۰۰ هزار تا ۱ میلیون
کارشناسی	۵۰۰ هزار تا ۳ میلیون	۵۰۰ هزار تا ۵ میلیون	یک میلیون و ۵۰۰ هزار تا یک میلیون و ۷۰۰ هزار	یک میلیون تا ۷ میلیون	یک میلیون تا شش میلیون و ۵۰۰ هزار
کارشناسی ارشد	یک میلیون و ۲۰۰ هزار تا ۲ میلیون	یک میلیون و ۲۰۰ هزار تا ۲ میلیون	یک میلیون و ۲۰۰ هزار تا ۲ میلیون	یک میلیون و ۵۰۰ هزار تا ۴ میلیون	یک میلیون و ۵۰۰ هزار تا ۴ میلیون
دکترا	یک میلیون و ۲۰۰ هزار تا ۲ میلیون	یک میلیون و ۲۰۰ هزار تا ۲ میلیون	یک میلیون و ۲۰۰ هزار تا ۲ میلیون	یک میلیون و ۵۰۰ هزار تا ۴ میلیون	یک میلیون و ۱۵۰ هزار تا ۴ میلیون

قیمت برای همه رشته‌ها مشابه است

رضا منصوری:

آموزش‌گده صدور مدرک؟

رضا منصوری، معاون پژوهشی وزارت علوم در دوران اصلاحات و استاد دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی شریف است. او دانشگاه، دانشکده، استاد، دانشجوی، وزارت علوم، تحقیقات

و فناوری، شوراییالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی را در ماجرای فروش پایان‌نامه‌های دانشگاهی، به یک اندازه مقصر می‌داند و سوالی مشابه را از همه نهادها می‌پرستد: «چرا استادان راهنما، مشاور و داور، قبل از خواندن صورت می‌گیرد و متخلفان به انجام آن تشویق هم می‌شوند»

مشخص نیست که موسسات تهیه پایان‌نامه و مقالات علمی، با چه عنوانی فعالیت می‌کنند. کارشناس بخش «ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری» سازمان ثبت می‌گوید: «این شرکت‌ها با موضوع و عنوان کلی شغل خود مجوز دریافت می‌کنند.» «جواد هروی»، رئیس کمیته آموزش عالی در کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی، هم می‌گوید: «در آموزش عالی ما، براساس نیازسنجی کار نمی‌شود و بیشتر به جداول آماری و کمیت توجه می‌شود؛ نه کیفیت کار. آموزش عالی با رشد ناموزن و رفتار سیاسی‌گرایی، شتاب‌زده، با حجم نامتوازن و نامتعارف و با نابسامانی همراه بوده است. از طرفی، با وجود همه شعارها به پژوهش اعتنای چندانی نداشتیم. طوری که اسمال بودجه یک تا سدرصدی پژوهش از لایحه بودجه سال ۹۴ حذف شد. نمایندگان مجلس، مرکز پژوهش‌های مجلس و دیوان محاسبات دلیل می‌آورند که بودجه‌های پژوهشی صرف هزینه‌های غیرپژوهشی می‌شود و به غیر از معاونت پژوهش وزارت علوم هیچ نهادی اعتراض نکرده. باید توجه داشت که خطاهای حوزه علمی و فرهنگی منتر از حوزه سیاسی و اقتصادی است اما به آن توجه نمی‌شود.»

او درباره اینکه چقدر در مذاکرات مجلس درباره مشکلات حوزه پژوهشی صحبت شده است، می‌گوید: «رسالت مجلس قانون‌گرایی، سیاست‌گذاری و طبق اصل ۸۴ قانون اساسی نظارت است و ما نمی‌توانیم به مصداق ورود کنیم.» نهادهایی مانند «مجلس شورای اسلامی»، «شورایعالی انقلاب فرهنگی»، «معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری» و «معاونت پژوهشی وزارت علوم»، مسوول بخش پژوهش کشور به شمار می‌آید و هروی می‌گوید که «بی‌توجهی و موازی‌کاری صورت گرفته و تلفیق وظایف نهادهامانع بی‌شرفت کار است.»

در میان این سازمان‌ها، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نقش ویژه را ایفا می‌کند. دکتر جعفر توفیقی، وزیر سابق علوم و مشاور فعلی وزیر علوم می‌گوید: «هر پدیده اجتماعی نظوهر با آسیب‌هایی دست‌به‌گریبان است. امروزه توسعه کمیت دانشجویی در دوره‌های تحصیلی متده، به خصوص در دوره‌های کارشناسی‌ارشد و دکترا و نیاز آنها به مقاله و پایان‌نامه‌نویسی و از طرفی عدم تناسب تعداد استاد به دانشجویان مسایل جدی حوزه علم و آموزش است. یکی از نقش‌های اصلی وزارت علوم نظارت است که به نظر می‌رسد به این نقش خیلی توجه نشده است. اگر به پدیده نظوهر بازاری‌بودن پژوهش توجه نشود به حیثیت علمی کشور لطمه می‌زند. باید این مساله به طور دقیق بررسی شود تا مشکلات ریشه‌یابی شود. آن وقت ما متوجه می‌شویم که ریشه این مشکلات کجاست؟» توفیقی می‌گوید: «باید براساس بازبینی در سیاست‌ها، مقررات گذشته راه‌کارهای توسعهی ارائه داد. ما در ۲۰ سال گذشته برای رشد علمی آنها از سیاست‌هایی مثل ارتقای علمی، تشویق و ترفیع استفاده می‌کردیم اما الان وقت بازبینی و بازنگری در این سیاست‌ها رسیده است. گاهی خواسته‌های غیرمنطقی، زمان محدود برای انجام پژوهش و بعضی سیاست‌ها مشکل‌آفرین است. البته این مسوولیت مشترک تمام اعضای نهاد علمی کشور از دانشجو، استاد، دانشگاه گرفته تا وزارت علوم است تا جلوی خطای علمی در سطح عمومی جامعه را بگیرد.»

توفیقی درباره اینکه چقدر نهادهای علمی غیر دولتی می‌توانند در حوزه نظارت نقش

داشته باشند، می‌گوید: «کاربوزه اصلی انجمن‌های علمی هر رشته، توجه به کیفیت

علمی حوزه کار و تخصص خود است. باید انجمن‌های علمی در جهت ترویج ارزش علمی خود اقدام کنند. در حالی که به این مساله خیلی توجه نشده است. فکر می‌کنم انجمن‌ها باید در این راه نقش جدی برای خود تعریف کنند.»

عصر چهارشنبه است و آسمان در حال ریختن باران بر تک‌های کافد پخش‌شده بسر روی زمین خیابان انقلاب. در یک طرف میدان انقلاب، کارگری کاغذها را از روی دیوارها می‌کند و در سویی دیگر تراکت‌زن‌ها مشغول کار خود؛ عابران ک‌حوصله هم نظارت دقیق تحقیقاتی علمی است. با تقویت اجتماع کافندهایی را که به آنها می‌دهند، نقش زمین می‌کنند. کارگر شهرداری می‌گوید: «دفتر کار ما در خیابان کارگر شمالی اول کوچه بهمناست.» سرکارگر تعارف به نشستن می‌کند. اتفاقی ساده و قدیمی که پر شده از صدا، اینجا محل استراحت کارگران خدمات شهری است. مرد چایی را با هورت بالا می‌کشد و بریده بریده و از روی می‌میلی و بی‌اعتدای پاسخ می‌دهد. می‌گوید: «ما کاری نمی‌توانیم انجام دهیم جز جمع‌کردن کاغذها. در گزیری با اینها هیچ فایده‌ای ندارد. از این طرف ما می‌کنیم و از طرفی آنها می‌چسبانند. ما نتیجه کار را به مرکز گزارش می‌کنیم. آنها می‌گویند ما از طریق چسباندن این اطلاعها خرج خانواده خود را درمی‌آوریم. شهرداری چند بار برای چسبانن آگهیها تابلو اطلاعاتی را در سطح شهر نصب کرد اما خیلی کارساز نبود.» چند

کارگر وارد ساختمان می‌شوند و جاروهای خود را روی زمین رها می‌کنند.

تنها پاسخی که در تماس با بخش‌های مختلف سازمان زیباسازی شهرداری تهران

دریافت می‌شود، این است: «در صورت وجود شاکی خصوصی، تا قطع تلفن و جریمه

نقدی این موسسات پیش می‌روم.»

امری غیراخلاقی؛ چه ظرفیت قانونی برای برخورد وجود دارد؟ منصوری می‌گوید: «شرکتها در مرز قانون حرکت می‌کنند. البته قانونی هم برای برخورد وجود ندارد. در این چرخه، دانشجو خواهان دریافت این خدمات است. موسسه پایان‌نامه و مقاله‌نویسی کار می‌کند. معضل بیکاری هست و نهادهای علمی و نظارتی متوجه عمق فاجعهنیستند.»